

نقد بیانات اعلیحضرت

در رادیو فردا

—۳—

امیرفیض- حقوقدان

فردا که وزد برمن وتو باد مهرگان آنکه شود پدیدکه نامرد ومرد کیست

تنتهای تحریر قبل به آنجا رسید که:

آقای سعید جباری از اعضای شورای تجزیه طلبان گفت که شورا دارای ۵۰ هزار عضو است و روزانه ۳۰۰ نفر هم به آن افزوده میشوند. چطور است که آقای جباری و دیگر اعضای فعال و برجسته شورای تجزیه طلبان از این درک غافلند که شورائی که رئیس آن به اتهاماتی بسیار سنگین و پرمعنا مشهور شده است و منبع خبر و شهرت هم ۵۰ نفر بقول خودشان عمده سیاسی بعلاوه ۴ دستگاه خبری تصویری است، آن شورا دیگر نمیتواند شورائی باشد که خواستار انتخابات آزاد باشد. زیرا شورائی که رئیس آن دشمن موجودیت ایران و دشمن ملت ایران معرفی شده و با انکار و معارضه ای از سوی شورا مزبور روبرو نگردیده اصلا صلاحیت کار سیاسی ندارد تا چه رسد که بخواهد برای مردم انتخابات آزاد فراهم سازد.

واما ادامه مطلب

۱- باد مهرگان وزیده است

باد مهرگان که به معنای باد پائیزی است که برگ درختان را میریزاند؛ اکنون برای ریختن وازجا کردن اعتبار ریاست شورای تجزیه طلبان وزیده است و هر روز هم شدت آن بیشتر میشود؛ در این حال تکلیف مردان و زنان شورا و آنانکه برای شخصیت و اعتبار رئیس شورا قائل به اعتبار سنتی و هویتی هستند آیا این است که به ایستند و ذل و ذل نگاه کنند و یا مانند یک مرد، چاره اندیشی و جلوی این آب باریکه آلوده به کثافت را بگیرند؟

در تشبیه وقتی یک حیوان درنده به یک گوساله کوچک حمله میکند اگر آن گاو بی غیرت باشد همانطور که صحنه حمله حیوان درنده به گوساله ذل، ذل نگاه میکند درست مانند کاری که شورای تجزیه طلبان میکند و اگر آن گاو حداقلی شجاعت و غیرت داشته باشد لااقل یک فریادی میکند و یک شاخی میزند که آبراهم این شوراجی ها ندارند و نکردند.

۲- ابطال قطعنامه شورا و غبن

❁❁ قطعنامه شورای تجزیه طلبان به اعتبار شخصیت و وطن دوستی و ملت داری رئیس شورا امضا شد؛ اکنون که این اتهامات متوجه رئیس شورا شده است و هیچ صدائی از شورا در جهت دفاع از رئیس خود، بلند نمیشود و این امر، معمول تائید اتهامات ناموجه نسبت به رئیس شورا است (از نظر عوام)، اصالت قطعنامه مدعی ۲۰ هزار طرفدار را زایل میکند، زیرا حتی یک نفر از آن گروه معرفی شده، از چنین صفات و اتهاماتی که متوجه رئیس شورا شده و با سکوت شورا هم روبرو گردیده آگاه نبوده اند و این ایجاد کننده حالت غبن است که اصالت عقد (قطعنامه شورا) را متزلزل میسازد.

۳- فعالیت های سیاسی جهانی اعلیحضرت

❁❁ نه تنها بی اعتنائی به اتهامات منتسب به اعلیحضرت اساس موجودیت شورای تجزیه طلبان را زیر سوال میبرد، تمام مکاتبات و درخواست های جهانی اعلیحضرت را از اعتبار جدا میسازد. زیرا اتهامات وصفاتی که از سوی گروهی متوجه اعلیحضرت شده و هیچ اعتراض جدی نسبت به آن نگردیده، مانعی حقوقی است برای حرکت اصیل آن نامه ها. به عبارت دیگر نظریه اینکه مبنای توجه به نامه ها در روابط بین المللی شخصیت و اعتبار متقاضی نامه است، اتهامات اشخاص یکی از موانع اعتباری است تاچه رسد به انبوه اتهامات بسیار سنگینی که به اعلیحضرت نسبت داده شده است خاصه که جمهوری اسلامی هم بی تفاوت نمانده و با آگاهی از جریان اتهامات، مراجع بین المللی را مصداق **خر و امانده منتظر هُش است** میسازد.

این درست است که تا امری اثبات نشود در مداربی اعتباری قرار نمیگیرد، ولی آن بحث اعلامیه جهانی حقوق بشر است و نمیتواند تردید انسانها را بمناسبت وجود اتهام نادیده گرفت.

۴- ۵۰ هزار عضو برای تجزیه ایران

❁❁ شورای تجزیه طلبان ایران مدعی است که ۵۰ هزار عضو دارد و هر روز هم ۲۰۰ یا ۳۰۰ تن به آن افزوده میشود، آیا از این اردو باید فقط برای زمینه سازی تجزیه کشور استفاده شود یا حق است نیم نگاه و التفاتی هم به هجوم به اعتبار و شخصیت رئیس شورا داشته باشند؟

۵- قاعده فلسفی و قاعده مبارزاتی

❁❁ این تحریر نمیخواهد گفته باشد که حملات و اتهامات گروه محکمه صحرائی آنقدر موثر است که بنده را به تنظیم این تحریر و استفاده از نفرات اعلام شده شورای تجزیه طلبان ترغیب کرده است؛ خیر، نقش آنها همانند همان مورچه ای هستند که وقتی اتفاقا به گردن فیل رسید، مورچگان خیال کردند که کار فیل تمام است. نهاد سلطنت که در مقابل مغول و اعراب مقاومت و سربلند بوده در مقابل این حرکات الف بچگان

بد سابقه زیانی را متحمل نخواهد شد ولی آنچه عرض شد قاعده فلسفی است، وقاعده روانی که زیربنا وروبنای مبارزه سیاسی است حرف دیگری میزند که آن معیار مبارزه سیاسی است نه متغیرهای فلسفی.

۶- اعتبار، تنها سرمایه کار سیاسی است

❁❁ یک لکه افتاده برلباس اگر بلافاصله از بقای آن جلوگیری بشود وبا آب شسته گردد پاک میشود ولی همان لکه ناچیز پس از مدتی بهیچ نحو پاک شدنی نیست وبلاخره اثر آن میماند.

سرمایه کارسیاسی اعتبار است و اعتبار، و باز هم فقط اعتبار است به این اعتبار وقتی آفت افتاد آن آفت مانند خوره اعتبار و مبانی آنرا میچورد و آنرا ساقط میکند واگر هم نتواند ساقط کند آنرا چنان شل میکند که نتواند درمقابل ناملایمات مقاومت کند.

۷- نق زدن

❁❁ قدرت درمبارزه سیاسی ازمسیر اجماع ونفرات متبلور میشود شورا که مدعی است ۵۰ هزار تن هستند، چرا در مقابل یک تجمع ۵۰ نفری آنقدر ذلیل ونامرد وبی اعتنا شده است؟ دربیانیه آقای امید مهر دیدم که به این اتهامات سنگین آن گروه منحرف به اعلیحضرت، عنوان نق زدن داده شده است. این تحریر برای چندمین بار لیست اتهامات ودشنامهایی که متوجه اعلیحضرت شده به اینجا میآورد:

دشمنی با موجودیت ایران - مرگ برشاه - بیکاره - شارلاتان - احمق - کوتاه بین - بی سواد - یول پرست - خائن - بی شرف - بی آبرو - مفتضح - پشه - عروسک - حقه بازو غیرقابل اعتماد.

آیا اتهامات دشمنی با موجودیت ایران وملت ایران، خائن، شارلاتان ونفهم، نق زدن است مرد حسابی؟

چه چیزی وچطوری وبه کجای شما آدم های بی تعصب فرو شود که فرق آنرا با قلقلک بفهمید؟

۸- آقای نادردرمانی

❁❁ آقای نادردرمانی هم در این بهبوحه اتهامات وحمله به اعلیحضرت گویا خواب هستند که با زدن پل روی شورای تجزیه طلبان مردم را به پیوستن به شورا ترغیب میکند؛ مولوی بیٹی دارد که جواب ایشان است:

اول ای جان دفع شرموش کن وانگهان درجمع گندم کوش کن

آقای درمانی، میدانید درکیسه گندمی که چند فضله موش دیده شود مردم رغبتی به خرید آن گندم یا برنج ها ندارند و میدانید که تبلیغ درباره استفاده مردم از آن گندم ها فریب دادن مردم از واقعیت است.

چگونه میشود مردم رابه پیوستن به گروهی ترغیب کرد که رئیس آن گروه از سوی گروه دیگری به بدترین اتهامات وجنایات متهم گردیده و با هیچ واکنشی هم روبرونشده اند، این کج دار و مریز است که

نامش دعوت مسخره است، همانند آن است که شما کسانی را دعوت به محلی میکنید که میدانید در آن محل عده ای تبهکار منتظر نشسته اند.

۹- آقای درمانی مرد باشید

❁❁ آقای درمانی مرد باشید و جاده را برای اجرای دعوت خود برای پیوستن مردم به اعلیحضرت بدون مانع و رادع سازید و از آنجا که در بیانیه خودتان از اعتبار رضایپهلوی مایه میگذارید، تکلیف دارید که مسیر آن اعتبار را بی غل و غش سازید و تهاجمات ظالمانه و اتهامات محکوم کننده را از نام و موقعیت ایشان پاک کنید و این کار با یک پتیشن امضای گروهی انجام پذیراست، زیرا در کار مبارزه آرام امروزی معیار حقانیت، همین اجماع نظر است.

❁❁ نه معمول و نه ممکن است که بتمام کسانی که در این جبهه گیری علیه اعلیحضرت مشارکت دارند از افراد تا رسانه ها پاسخ های انفرادی داد این قبیل پاسخ ها در دایره فهم و استدلال و منطق میتواند موثر باشد که در هیجان مبارزه، فهم و انصاف مانند اکسیر نایاب است. نمیتوان گروه عظیمی که عقل و درکشان از مجرای چشم و گوش است در میدان مبارزه نادیده گرفت، درمان درد و تنها وسیله تفهیم آنها همان اجماع نظرات در جهت محکوم ساختن آن متجاوزین به حرمت انسانی اعلیحضرت است.

۱۰- سکوت معنا دار اعلیحضرت

سکوت قابل تقدیر اعلیحضرت در مصاحبه رادیو فردا در مورد دوبیانیه به این دلیل بود که اساسا دفاع از شاه کار مردم است نه خود شاه؛ سکوت ایشان بدان معنا نیست که اصل قضیه که دفاع از اعتبار و شخصیت اعلیحضرت است، نادیده گرفته شود که شما مرئوسین ایشان در حد کک به جانتان افتاده هم آنرا جدی نگرفته اید.

۱۱- یک صدا یا ۱۰۰ صدا قابل قیاس نیست

❁❁ بنده در جریان اعتراضات افراد به تشکیل محکمه صحرایی و تبعات آن کم و بیش قرار گرفته ام؛ نمیخواهم بگویم که آنها بی اهمیت بوده اند ولی مبارزه انفرادی نق زدن و یا ابراز احساسات شخصی است و مبارزه عمومی و کلی قدرت نمایی در مسیر حق و حقیقت است و به هیچوجه قابل مقایسه نیست. قابل مقایسه نیست که یکنفر شعاری را بدهد و یا صد نفر شعار ضد آنرا بدهند.

۱۲- تخصیص عنوان فوق العاده به بیانیه ها

❁❁ در مصاحبه رادیو فردا مصاحبه کننده عبارتی بکار گرفت که واجد اهمیت است گفت: >میشود گفت که این دو بیانیه اتفاق فوق العاده ای بوده است، نظر شما در رابطه با این دو بیانیه چیست؟<

همین اشاره مصاحبه کننده و فوق العاده دانستن آن دو بیانیه کافی است که هر محققى که چه اکنون و یا بعدها درباره این موضوع تحقیق کند بدنبال یافتن مهم و فوق العاده بودن آن برود، و در این مسیر است که محقق با انبوهی از فعالیت های مخرب دستگاه های خبری صوتی روبرو میشود که درک مهم آن محقق از همان دستگاه های خبری و محتوای نامه ها و تبعات آن مایه تحقیقاتی پیدا میکند و در مقابل هیچ دفاع ارزشمندی نمی بیند.

باید به این قضیه ساختگی مهم بودن پایان داده شود والا ادامه آن واقعا به مهم بودن ختم میشود یکی از مجاری تشخیص مهم ارزیابی روند موضوع است که محقق با سکوت روبرو میشود.

۱۳- اقدام دسته جمعی

❁❁ لازم است این کار یک اقدام دسته جمعی است که آغاز آن باید از جانب کسانی باشد که متعرض علیه، رئیس، و پایه اعتباری شورای آنهاست و در سبب مبارزاتی خودشان آنطور که ادعا دارند ۵۰ هزار عضو جمع شده اند. این پیشقدمی تکلیف آنهاست؛ موقعیت آنها به اعتبار ریاست اعلیحضرت و نفراتی که مدعی اند موتور این حرکت است، این موتور اگر از جانب آنان و در صدر همه آقای درمانی به حرکت در نیاید نمیتواند از جانب کسان دیگری به حرکت در آید آقای درمانی دارای دو فرستنده است که از اسباب مهمه کارهای دسته جمعی است.^۱

۱۴- ناکار آمدی توصیه های اخلاقی

❁❁ نگویند وق، وق سگان مهم نیست؛ نگویند جواب ابلهان خاموشی است؛ و امثال آنها، این ها درست است ولی نه در کار مبارزه سیاسی که بر پایه نظر و تعداد افراد و شخصیت ها قرار دارد و جلو میرود، بی اعتنائی به اتهامات و توهین ها در مورد افراد میتواند شامل آن توصیه های اخلاقی باشد نه اتهام به شخصیت های سیاسی که تاثیر آن فراگیر در مبارزه است، حق فردی نیست، حق همگانی است و تاثیر آن متوجه کل و جزء مبارزه است.

۱۵- مشت نمونه خروار است

❁❁ شورای تجزیه طلبان و بسیاری از ایرانیان خاصه سلطنت طلبان میخواهند و مدعی اند که با جمهوری اسلامی دارند مبارزه میکنند، خوب ضرب المثل مشت نمونه خروار است، همین است؟! سکوت و بی حالی و نامردی ما در مقابل یک گروه کوچک مخفی و تعرضاتی و اتهاماتی که به ولینعمت و رئیس و نماد هویت ملی ما میزند، علامتی است که ما لیاقت مبارزه با جمهوری اسلامی را نداریم، وقتی نمیخواهیم و

۱- البته اگر این کار به عهده مهدی آقا زمانی که شیوه گفتار و رفتارش همواره مورد انتقاد بوده گذاشته شود بجای «بخشش»، لازم نیست اعدام شود» جمله و نوشته را طوری خواهد خواند «بخشش لازم نیست، اعدام شود» معنی خواهد داد و بجای بخشش یک تن بی گناه اعدام خواهد شد. آقای مهدی آقا زمانی در لفظ قلم صحبت کردن خط اصول و مبانی را گم میکند و از اصل خارج و نظر های بیمورد مربوط به موضوع را مطرح میکند که بسیار خطرناک است. ح-ک

آنقدر بی غیرت هستیم که در مقابل تعرضات عوامل جمهوری اسلامی آنهم درباب این چنین تعرضات آشکار، بی تفاوتیم اصلا مرد هم نیستیم.

۱۶- موقعیت حقوقی اعتراض و معترض

*** به هیچوجه نباید از شخص اعلیحضرت و یا رئیس شورا انتظار اقدام متقابل را داشت بلکه این انتظار متوجه پیروان و مرئوسین ایشان است.

از آنجا که این اتهامات و فحاشی ها متوجه کسی شده است که ریاست یک شخصیت حقوقی شورای ملی ایران را برعهده دارد اتهامات و دشنام ها متوجه کل و جزء شورای مزبور میشود و مداخله در موضوع و رفع اتهام از حقوق شورا است.

درمورد سلطنت طلبان از آنجا که بنا براسناد تاریخی سلطنت نماد هویت ملی ایرانیان است لهذا حق دفاع ورد اتهام از آن همه سلطنت طلبان است.

۱۷- نیت اعلیحضرت از شکایت از مفریان

*** اعلیحضرت درسالهای نخست فرمودند که «من غافل نمیانم و از کسانی که اتهام میزنند شکایت خواهم کرد»

اعلیحضرت میدانستند که اساسا در سنت سلطنت و فرهنگ ایرانی نیست که شاه علیه افراد ملت خودش شکایت کند، توجه ایشان به حساسیت و اطمینان کسانی بود و هست که علی القاعده در صورت مرد بودن و داشتن شرافت ایرانی حاضر نیستند که رئیس و یا ولی نعمت خود را در مقابل دشمنان و هتاکان و اتهام سازان تنها بگذارند.

۱۸- دفاع در این مورد یعنی چه

*** مقصود از حق دفاع ورد اتهام آن نیست که ایرانیان به محکمه رجوع کنند، این انتظار که مستلزم برخی مخارج است منظور تحریر نیست بلکه از آنجا که مبارزه مدنی برای احراز حق برپایه اجماع و جماعت است، ایرانیان مخالف عمل ناشایست تشکیل دهندگان محکمه صحرایی با اجماع قوی که از نظر نفرات دارند میتوانند و باید با جهت دادن مبارزه بسوی جمع آوری امضا، محکومیت مدعیان را از طریق اجماع ثابت کنند.

*** شورای تجزیه طلبان مدعی است که ۵۰ هزار عضو دارد که با محسوب داشتن افراد خانواده و دوستان میتواند رقمی برابر ۱۵۰ هزار امضا داشت و سلطنت طلبان و دیگران هم که مخالف ترکتازی و قانون شکنی هستند، پایگاه دیگری است که بدون دنیاری خرج اثر ادعائی آن ۵۰ نفر را باطل و آنها را مفتضح کامل میسازد این کارنه به ضرر جمهوری اسلامی است و نه مغایر باسیاست آمریکا و فرانسه که

برخی افراد احتیاط کنند چراکه نفس عمل اقدامات آن افراد که دقیقاً مغایر با اعلامیه جهانی حقوق بشر و حتی حقوق اسلامی هم هست را محکوم میکند.

۱۹- این گوی و این میدان

✻ اعلیحضرت در همین مصاحبه رادیو فردا فرمودند: <اگر ما نتوانیم از خودمان دفاع کنیم چگونه میتوانیم از وطنمان دفاع کنیم>

ما، در بیان اعلیحضرت متوجه ما مردم است، و مفهوم عبارت بالا این است که اگر ما لیاقت آنرا نداریم که از پادشاهمان دفاع کنیم، از آنجا که خدا و شاه و میهن در یک کفه قضاوت تاریخی و عمومی قرار دارد پس لیاقت دفاع از وطنمان را هم نداریم.

دفاع از اعلیحضرت و یا میهن در حال کنونی همین مقاومت در مقابل اتهامات ورد و جرح آنها از طریق مبارزه دمکراتیکی است که این تحریر خواستار اجرای آن شده است.

باید یکبار نشان داد که مرد عملیم نه تنها حرف و نمایش.

بیار آنچه داری زمردی وزور که دشمن بپای خود آمد به گور

۲۰- سابقه تاریخی

آلفرد دریفوس در اثر جوی که علیه او برپاشده بود از سوی دادگاه عالی فرانسه به زندان و خلع لباس و محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شد، یک نویسنده فرانسوی بنام امیل زولا تحمل این بی عدالتی را نکرد و با نوشتن مقاله ای افکار روشنفکران را به حقیقت امر جلب کرد همان مقاله او سبب شد که روشنفکران که تا آنروز بی تفاوت بودند، نسبت به اعتراض حکم برخاستند و اعلامیه آنها یک سند تاریخی مشهور به سال ۱۸۹۸ گردید و موجب آزادی دریفوس شد.

دریفوس با حکم دادگاه به محکومیت کشیده شده بود و روشنفکران فرانسوی تحمل آن اتهامات ناروا و زیر جو دشمنی با اسرائیل و آلمان را نداشتند به اعتراض جمعی مبادرت کردند، در حالیکه اتهامات و فحاشی ها و اعتبار شکنی های متوجه اعلیحضرت از مرجع کسانی است که خود بعنوان ناقض حقوق انسانی متهم قضیه هستند و با عدم صلاحیت در جایگاه صلاحیت، خود نما شده اند در یک جنایت تاریخی متحد در کلام گردیده اند و بصورت تاریخی عمل میکنند که خود عنکبوت دیده نمیشود. ویران کردن آن خانه عنکبوتی تنها نیاز به یک حرکت جمعی در جهت حفظ حرمت و اعتبار انسانی، بطور عام و شخص اعلیحضرت بطور خاص دارد.

قضیه تاریخی دریفوس را آوردم که به بینید اثر یک کارجمعی با وزن تنها ۳۰۰ نفر چگونه حکم دادگاه عالی فرانسه را متوقف و باطل میکند و آقای درمانی به اهمیت یک کارجمعی در حفظ احترام و اعتبار اعلیحضرت شک نکنند.

آگاهی تاریخی

این تحریر سخن نمایشی نمیگوید از قانون و حکمت است که سخن دارد.

از آنجا که آقای نادر درمانی با انتشار بیانیه ای بیشتر از حمایت از شاهزاده رضا یهلوی در راستای مبارزه و پیوستن به شورای ملی شده اند، تعهد حفظ و حراست از اعتبار ریاست شورا جزء لایتجزای بیشتر از دعوت عام ایشان است. اگر به این تکلیف پیش روی توجه نکنند و در مقام رفع اثر از اتهامات منتسبه به ریاست شورا از طریق که در این تحریر آمده و یا طریق موثر دیگری اقدام نکنند و راه فساد انگیز کسانی یعنی سکوت را بر تکلیف خودشان ترجیح دهند، بطور ضمنی بر اظهارات و اتهامات تحمیلی بر شاهزاده عبارت خودشان صحنه گذاشته اند، و تخطی یک الف بجه بد حال با پیشینه بد را بر سراسر شورایم ملی و همه آن ۵۰ هزار نفر ادعائی پذیرفته اند.

این تحریر از تبعات آن آگاه است و میداند تکان دادن کسانی که سی و چند سال است خوابند و روزگار مبارزه را به تعارف گذرانده اند چقدر دشوار است که حرکت در آیند و این راه میدانند که به دوران تعارف و پرده پوشی باید پایان داده شود.

پایان